

A Sociological Study of Social Acceptance of Afghan Refugees (Case Study: Citizens of Shiraz)

Ahmad Palizdan 000900003690187X 

PhD Candidate Of Sociology, Department of Social Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Saeed Maadani¹ 0009-0001-5071-0970 

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Iraj Saei Arasi 0009-0009-9929-522 

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran

Abstract

The presence of Afghan immigrants in Iran, the largest immigrant population in Iran, requires further studies in social and cultural dimensions. Therefore, this study aims to investigate the social acceptance of citizens of Shiraz towards Afghan immigrants. This research was conducted to investigate the sociological study of citizens' social acceptance of Afghan immigrants in Shiraz. This research is a survey type. The present study's statistical population consists of all Shiraz citizens, numbering 1955500 people in 1403. Three hundred forty-eight citizens of Shiraz were selected using the Cochran formula as the sample size using the available sampling method. The data collection tool in this study was a researcher-made questionnaire with 26 questions. Cronbach's alpha method was used to determine the reliability of this questionnaire. Carnbach's alpha was 0.76. The research findings indicate a significant relationship between the variables of literacy level, religion, economic status, existing crimes and social harms, sense of security, and the social acceptance of Shirazi citizens towards Afghan immigrants. The results of the regression table also indicate a good correlation between the set of independent variables and the dependent variable. In this article, the results of a sociological study of the social acceptance of citizens (high and low) towards Afghan immigrants in the city of Shiraz have shown that literacy level, religion, economic status, existing crimes and social harms, and sense of security affect the social acceptance (high and low) of Shiraz citizens towards Afghan immigrants.

Keywords : Immigrants, Social Acceptance, Crimes and Social Harms, Afghans

¹Corresponding Author: Maadani25@yahoo.com

....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

مطالعه جامعه‌شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه

شهروندان شهر شیراز

احمد پالیزدان

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

سعید معدنی^۲

استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

ایرج ساعی ارسی

استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر، ایران.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵

چکیده

حضور مهاجران افغانستانی در ایران به عنوان بزرگ‌ترین جمعیت مهاجران ایران، نیازمند بررسی‌های بیشتر در ابعاد اجتماعی و فرهنگی است. لذا در این مطالعه، بررسی نحوه پذیرش اجتماعی شهروندان شهر شیراز نسبت به مهاجران افغانستانی مد نظر می‌باشد. این پژوهش با هدف بررسی مطالعه جامعه‌شناختی پذیرش اجتماعی شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی در شهر شیراز انجام شده است. این تحقیق از نوع پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق حاضر را تمامی شهروندان شهر شیراز به تعداد ۱۹۵۵۵۰ نفر در سال ۱۴۰۳ تشکیل داده‌اند. به روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۳۴۸ نفر از شهروندان شهر شیراز با استفاده از فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این مطالعه پرسشنامه محقق ساخته ۲۶ سوالی بود. برای تعیین پایایی این پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. آلفای کرونباخ ۰/۷۶ به دست آمد. نتایج حاصل از یافته‌های تحقیق حاکی از آن است، که بین متغیرهای سطح سواد، نوع مذهب، وضعیت اقتصادی، جرایم و آسیب‌های اجتماعی موجود، احساس امنیت و متغیر پذیرش اجتماعی شهروندان شیرازی نسبت به مهاجران افغانستانی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج جدول رگرسیون نیز نشان‌دهنده همبستگی مناسبی بین مجموعه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته می‌باشد. در این مقاله، نتایج مطالعه جامعه‌شناختی پذیرش اجتماعی شهروندان (بالا یا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی در شهر شیراز، نشان داده است، که سطح سواد، نوع مذهب، وضعیت اقتصادی، جرایم و آسیب‌های اجتماعی موجود و احساس امنیت بر پذیرش اجتماعی (بالا یا پایین)، شهروندان شهر شیراز نسبت به مهاجران افغانستانی تاثیر گذار است.

کلید واژه‌ها: مهاجران، پذیرش اجتماعی، جرایم و آسیب‌های اجتماعی، افغانستانی.

^۲ نویسنده مسئول: Maadani25@yahoo.com

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز

مقدمه و طرح مساله

مهاجرت به عنوان یک پدیده اجتماعی دارای تأثیرات و نفوذ قابل ملاحظه‌ای در ابعاد فرهنگی و زوایای اجتماعی جوامع مختلف است. مهاجرت با تأثیر پذیری مهاجران از جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از محیط جدید، آثار مهمی بر سیمای ظاهری و همچنین زندگی روزمره افراد دارد که در قالب تغییرات و دگرگونی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و امنیتی نمود می‌یابد. افراد مهاجر با شناختی که از محیط جدید پیدا می‌کنند، عکس العمل‌های متفاوتی از خود بروز می‌دهند، تغییراتی که در راستای انطباق و سازگاری با شرایط موجود می‌تواند، زمینه‌های رفتن یا ماندن مهاجران را در کشور میزبان تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین پرداختن به پیامدهای این جابه‌جایی‌های بزرگ بر روی مهاجران می‌تواند زوایای اصلی این واقعیت را مشخص سازد (محرابی شاتوری، ۱۳۹۳: ۶۷).

بی‌گمان هر مقوله اجتماعی و یا حرکت فرارونده‌ای که در یک جامعه رخ می‌دهد، به دنبال خود دارای پیامدهای مثبت و احیاناً معایبی منفی است. مهاجرت نیز به عنوان یک پدیده اجتماعی، نمی‌تواند از این قاعده مستثنی باشد. از دیدگاه اجتماعی، نکته مورد اهمیت در تمام مهاجرت‌ها، یکسان نبودن فرهنگ جامعه مبدأ و مقصد است. تفاوت‌های فرهنگی، قومی و مذهبی میان جامعه مبدأ و مقصد می‌تواند منشأ مسائل و مشکلاتی برای مهاجران باشد (محرابی شاتوری، ۱۳۹۳: ۶۷). فراوانی میزان ناهنجاری‌های اجتماعی از نمونه‌های بارز این گونه مشکلات در جوامع است. پدیده حاشیه نشینی و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی نیز از عوارض این گونه مهاجرت‌ها است. مهاجران وارد شده به یک کشور، یکی از گروه‌های اجتماعی مهمی به شمار می‌روند که درک پذیرش اجتماعی (بالا یا پایین)، آن‌ها از سوی جامعه میزبان، از دیدگاه سیاست‌گذاری اجتماعی و کسب شناخت جامعه‌شناسی (در بررسی تأثیر سطح سواد، نوع مذهب، وضعیت اقتصادی، جرایم و آسیب‌های اجتماعی موجود، احساس امنیت شهروندان)، موضوعی جذاب و حائز اهمیت است.

پذیرش اجتماعی، یکی از شاخص‌های فراگیر در حوزه علوم اجتماعی است (عسکری، ۱۳۹۰: ۲). پذیرش اجتماعی شامل پذیرش دیگران، اعتماد به خوب بودن دیگران و نگاه مثبت به ماهیت انسان‌ها

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

است، که همگی آن‌ها باعث می‌شوند فرد در کنار سایر اعضای جامعه انسانی، احساس راحتی کند (نور بخش و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۴۱). در پذیرش اجتماعی، افراد یکدیگر را با همه نقص‌ها و جنبه‌های مثبت و منفی باور دارند و می‌پذیرند (ذالی آراللو و علایی، ۱۳۹۴: ۱۲۷). کلیه مهاجران از هر گروه سنی و جنسی و یا هر طبقه اجتماعی، به نحوی مشمول تبعیض‌های مناطق پذیرنده می‌باشند. مهاجران به مجرد ورود به کشور مقصد، با انواع واکنش‌ها و برخوردهای مثبت و یا منفی اجتماعی از طرف ساکنان جامعه میزبان مواجه می‌شوند و اغلب در معرض خشم و بی‌اعتباری مردمی و در برخی موارد تحت تحریم قانونی از سوی کشور میزبان قرار می‌گیرند (محرابی شاتوری، ۱۳۹۳: ۶۷). در شرایطی که بین گروه‌های مهاجر و جامعه میزبان این احساس غالب باشد که فاصله اجتماعی آن‌ها با همدیگر کم است و تفاوت چندانی ندارد. آن‌ها به راحتی یکدیگر را می‌پذیرند و در نتیجه، فرآیند پذیرش اجتماعی بالای مهاجران در جامعه میزبان به سهولت رخ می‌دهد. برعکس، زمانی که احساس دوری اجتماعی یا فاصله اجتماعی زیادی وجود داشته باشد، پذیرش اجتماعی و ادغام اجتماعی و فرهنگی مهاجران در جامعه میزبان با موانعی دشوار و پیچیده روبه‌رو می‌شود. چرا که ورود و اقامت مهاجران در هر جامعه‌ای، فرصت‌ها و چالش‌هایی را توأماً به همراه خواهد داشت (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۳-۸۴). حضور اتباع بیگانه در کشور میزبان، دارای پیامدها و بازتاب‌های مختلف زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی می‌باشد. اتباع بیگانه با مهاجرت‌های غیر قانونی دارای بازتاب‌ها و پیامدهای مختلف امنیتی می‌باشند. اگرچه قوانین داخلی کشورهای مختلف در مورد پذیرش مهاجرین روز به روز در حال سخت‌تر شدن می‌باشد. اما تقاضا برای مهاجرت به کشورهایی که از لحاظ توسعه اجتماعی و اقتصادی در وضعیت مناسب‌تری قرار دارند، رو به افزایش است (محرابی شاتوری، ۱۳۹۳: ۶۷). کشور ما نیز مهاجرین زیادی را از خارج کشور در خود جای داده که عمده‌ترین این مهاجران خارجی، افغانستانی‌ها می‌باشند. سابقه سه دهه‌ای حضور چشمگیر مهاجران افغانستانی در کشور ایران دلایل محکمی را برای مطالعه جنبه‌های مختلف زندگی آن‌ها در ایران مهیا می‌کند. حضور این مهاجران پیامدهایی را بر جای گذاشته است و در طی سال‌های اقامت خود، تأثیرات مثبت و منفی فراوانی از بعد

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز

اجتماعی و فرهنگی بر جای گذاشته‌اند و ضرورت دارد این بازتاب‌ها و تأثیرات مورد بررسی و سنجش قرار گیرند (عزیزی، ۱۳۹۷: ۱-۳).

پدیده مهاجرت مردم افغانستان به کشورهای همسایه، به‌ویژه ایران، یکی از شکل‌های مهاجرت بین‌المللی است که در دهه‌های اخیر روند صعودی داشته‌است. کشور ایران طی چند دهه اخیر پذیرای جمعیت بزرگی از مهاجران افغانستانی بوده‌است که، از اواخر دهه پنجاه شمسی به بعد، به سبب ناآرامی‌های سیاسی و متعاقباً وضعیت جنگی در افغانستان و نیز نظر به همسایگی، هم‌زبانی و اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی، راهی نواحی گوناگون ایران شده‌اند. کشور ایران به دلایل اقتصادی و مذهبی (داشتن عتبات عالیات، برای اهل تشیع و زیارت پیروان و عارفان صوفی و اهل تسنن) همواره مقصد مهاجرت‌های فصلی و دایم اقوام افغانستانی بوده‌است. ورود انبوه مهاجرین افغانستانی به ایران، هم‌زمان با بروز بحران‌های سیاسی، جنگ داخلی کشورشان و دیگر آشوب‌ها، بروز خشکسالی‌های پی‌در پی و اقتصاد در هم شکسته کشور افغانستان، افزایش چشم‌گیر یافته‌است. این امر نشان از این دارد که مهاجرین، اغلب به صورت آواره، پناهنده و در شرایط اضطراب و اجبار به ایران مهاجرت نموده‌اند. طبیعی است که چنین مهاجرانی نمی‌توانند بازتاب‌های مثبتی در کیفیت زندگی اقتصاد و امنیت کشور میزبان داشته باشند (عزیزی، ۱۳۹۷: ۱-۳). سیاست دولت ایران در قبال مهاجران افغانستانی در طول زمان، شاهد دگرگونی‌های زیادی بوده‌است. در هر صورت، بسیاری از مهاجران افغانستانی اکنون سال‌ها است که در ایران زندگی می‌کنند. این امر منجر به حضور طیف گسترده‌ای از فرهنگ‌ها، زبان‌ها و خاستگاه‌ها و نابسامانی خدمات، تقاضای روزافزون برای مسکن و اشتغال و تشدید فاصله طبقاتی و تنش‌های اجتماعی شده‌است. از سوی دیگر این وضعیت مجموعه‌ای از فرصت‌ها و تهدیدها را برای این مهاجران، به‌وجود آورده‌است. تفاوت‌های اجتماعی ممکن است مهاجرانی را که در اقلیت قرار دارند، به حاشیه براند و حتی حس امتناع از همانند‌گردی را در میان‌شان تقویت و آنان را بیشتر از جامعه جدا کند (علاءالدینی و میزایی، ۱۳۹۷: ۲).

حضور مهاجران افغانستانی در ایران، به‌عنوان بزرگ‌ترین جمعیت مهاجران ایران، نیازمند بررسی‌های بیشتر در ابعاد اجتماعی و فرهنگی است. لذا در این مطالعه، بررسی نحوه پذیرش اجتماعی شهروندان

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

شهر شیراز نسبت به مهاجران افغانستانی مد نظر می‌باشد. استان فارس و به‌ویژه شهر شیراز امروزه یکی از کانون‌های جذب مهاجرین چه داخلی و چه خارجی است و یکی از مهاجر پذیرترین مناطق ایران به حساب می‌آید. شهر شیراز در این سه دهه، به‌دلیل اینکه یکی از امن‌ترین شهرهای ایران به‌شمار می‌رفت و به‌ویژه شرایط بهتر کسب و کار نسبت به سایر شهرها داشت، به یکی از مراکز مهم جذب مهاجرین داخلی و خارجی تبدیل شد. امروزه بر اساس گزارش‌ها بیش از ۵۰۰ هزار نفر تبعه افغانستانی به صورت مجاز و غیر مجاز در شهر شیراز زندگی می‌کنند و این حجم جمعیت اثرات و پیامدهای متفاوتی را در بردارد که نیازمند تحقیق است. بررسی این پیامدها و شناخت تأثیرات سکونت افغانستانی‌ها در شهر شیراز، می‌تواند برای جلوگیری از اثرات این مهاجرت‌ها مؤثر واقع شود (شاطریان و گنجی‌پور، ۱۳۹۰ : ۸۵). حضور سه دهه‌ای مهاجرین افغانستانی در شهر شیراز، کارکردهای مثبت و منفی بر جای گذاشته است که این خود، موجب نارضایتی بیشتر مردم شیراز شده‌است. لذا در میان مسایل مختلف مربوط به مهاجرت، شناخت افکار عمومی و نحوه پذیرش اجتماعی شهروندان شهر شیراز (بالایا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی دارای اهمیت است. لذا با توجه به کمبود تحقیقات انجام شده در این زمینه، انجام مطالعات جامعه‌شناختی پذیرش اجتماعی شهروندان شیرازی نسبت به مهاجران افغانستانی در داخل کشور ایران می‌تواند، نحوه پذیرش اجتماعی و ارتباط شهروندان ایرانی را نسبت به مهاجران افغانستانی مشخص نماید. براین اساس می‌توان گفت که، اهمیت و ضرورت انجام تحقیق در زمینه پذیرش اجتماعی (بالایا پایین)، ایرانیان نسبت به مهاجران افغانستانی، از نظر مطالعه جامعه‌شناختی، تعیین‌کننده مسائل اجتماعی مانند نحوه تعامل و رفتار شهروندان ایرانی با این دسته از افراد یعنی مهاجران افغانستانی خواهد بود. بنابراین هدف از انجام این مطالعه از منظر جامعه‌شناختی، شناخت، تحلیل و طبقه‌بندی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پذیرش اجتماعی (بالایا پایین)، شهروندان شیرازی نسبت به مهاجران افغانستانی، می‌باشد.

پیشینه پژوهش

اگر چه جامعه مهاجران افغانستانی از منظر زبانی، مذهبی، ویژگی‌های ظاهری و فرهنگی بیشترین میزان قرابت با جامعه میزبان یعنی کشور ایران را دارند، اما تحقیقات متعددی بر نحوه پذیرش اجتماعی (بالایا

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز

پایین) جامعه ایران، نسبت به مهاجران خارجی به‌ویژه اتباع افغانستانی ساکن در ایران، از نظر مطالعات جامعه شناختی اشاره داشته‌اند. تحقیقات و پیشینه‌های پژوهشی محدود انجام شده پیرامون موضوع تحقیق، بیانگر پایین بودن "سطح پذیرش اجتماعی مهاجران افغانستانی در ایران" است. تحقیقات متعدد، بر پیش-داوری منفی جامعه ایران نسبت به مهاجران خارجی به‌ویژه اتباع افغانستانی ساکن در بافت های فرسوده (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۰-۱۴۸). و تأثیرات منفی سکونت مهاجران افغانستانی بر روستاهای مرزی شهر سیستان (لطفی و جهان تیغ، ۱۳۹۳: ۳۰۹-۳۳۳). و شهر مشهد (وثوقی و محسنی، ۱۳۹۵: ۲۷)، اشاره داشته‌اند. روحانی و انبارلو (۱۳۹۵: ۱۰۲-۷۷)، در تحقیق خود در این زمینه نشان داده‌اند که شکل‌گیری عواطف منفی مردم ایران نسبت به مهاجران افغانستانی، هراس و حس تنفر مردم ایران را نسبت به این مهاجران ایجاد کرده‌است. فرمانفرمایی و جعفرزاده (۱۳۹۸: ۷۵-۸۸)، در پژوهشی که با عنوان «نقش سینمای ایران در پذیرش مهاجران افغانستانی» انجام داده‌اند، پذیرش و عدم پذیرش پناه-جویان افغانستانی در ایران را به دلیل تأثیر بر ذهن جامعه ایران مورد بررسی قرار داده‌اند و مهم‌ترین عوامل مهاجرت گروهی و فردی افغانستانی‌ها به ایران را در دو قرن گذشته، جنگ، فقر و بیکاری نشان داده‌اند. کشاورز قاسمی و نادر پور (۱۳۹۷: ۲۹۰)، پژوهشی با عنوان «تبیین پیامدهای مهاجرت اتباع کشور افغانستان بر جامعه ایران (مطالعه موردی شهر قزوین)» انجام داده‌اند. نتایج با ۷۷/۶۶ درصد میانگین پاسخ-های منفی شهروندان شهر قزوین، حکایت از پذیرش اجتماعی پایین میان افغانستانی‌ها و جامعه مورد پژوهش دارد. کوکاک^۳ (۲۰۲۱: ۷۳۷)، نشان داده‌است که دینداری و پایگاه اجتماعی اقتصادی با پذیرش اجتماعی بالا نسبت به مهاجران مرتبط است. رایدگرن^۴ (۲۰۱۸: ۷۵۶-۷۳۷). رابطه بین پذیرش اجتماعی، ادغام مهاجر و امکانات رفاهی در کشور میزبان را بررسی کرده‌اند و نشان داده‌اند که تمایل شهروندان کشور میزبان نسبت به پذیرش اجتماعی مهاجران، به میزان زیادی، با امکانات رفاهی در جامعه مقصد مرتبط است. بوید^۵ (۲۰۲۱: ۵۵۷-۵۵۹)، نشان داده‌است که تفاوت در تمایلات بومیان برای

³ Koçak

⁴ Rydgren

⁵ Boyd,

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

پذیرش اجتماعی از گروه‌های مهاجران عامل تعیین‌کننده‌ای در جداسازی سکونتی گروه‌های مهاجر و شهروندان جامعه میزبان است.

چارچوب نظری پژوهش در زمینه پذیرش یا عدم پذیرش مهاجران

نظریه مکتب کلاسیک

این نظریات، به‌طور کلی، مهاجرت را موجبی برای تحرک اجتماعی و اقتصادی و نتیجه آن را، در کشور مقصد، جذب یا دفع مهاجر در نظام ارزشی مسلط می‌داند (ایراندوست و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۹). این دیدگاه در جامعه‌شناسی مهاجرت بر تبیین دلایل و پیامدهای مهاجرت استوار است. بنابراین از دیدگاه این نظریات، مهاجرت ناشی از عدم تعادل اقتصادی و اجتماعی موجود بین مناطق مختلف است و هرگونه تغییری که در جامعه روی می‌دهد در جهت برقراری تعادل و هماهنگی است (پاپلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۳۶).

نظریه تضاد

صاحب‌نظران نظریه تضاد معتقدند، علی‌رغم مهاجرتی که با برنامه دقیق صورت می‌گیرد، مهاجرت ممکن است یک پاسخ بدون برنامه و ناگهانی به یک سری از شرایط باشد. این رهیافت نسبت به مهاجرت، زمینه‌ای است و معمولاً تصمیم برای مهاجرت، نتیجه یک سری از تأثیرات است که بعضی از آن‌ها حتی تصادفی و اتفاقی است. مارکس، والرش‌تاین و دیگران از نظریه‌پردازان این مکتب هستند که عمدتاً مهاجرت را به‌عنوان یک واکنش منفعل در مقابل اجبار، محدودیت‌ها و تنگناهای سکونتی و شغلی می‌دانند (اصلائی، ۱۳۹۳: ۵۳).

نظریه سیستمی

اندیشمندان این نظریه، رولند^۶، ریچموند^۷، و ورما^۸، در مطالعه خود پیرامون مهاجرت به کانادا به این نتیجه رسیدند که دیدگاه‌های کلاسیک و متضاد، نمی‌توانند این نوع مهاجرت را تبیین کنند (مهدوی

^۶ Rolland

^۷ Richmond

^۸ Verema

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز

و همکاران، ۱۳۸۳). به زعم آن‌ها، مجموعه‌ی از این عوامل موجب می‌شود که مهاجران به دلیل تفاوت و برتری قوای جاذب مقصد و مقایسه وضعیت موجود و آینده‌ای که مطلوبیت اقتصادی آنان را در بردارد، به مهاجرت دست بزنند که، در مجموع این روند با نظریات ارائه شده در مکتب کلاسیک منطبق است (اصلانی، ۱۳۹۳: ۵۵).

نظریه جذب و دفع اورت - س - لی

دیدگاه لی، مهاجرت را تحت تأثیر چهار عامل عمده تبیین می‌کند:

الف) عوامل موجود در مبدأ (برانگیزنده و بازدارنده)

ب) عوامل موجود در مقصد (برانگیزنده و بازدارنده)

ج) موانع موجود در جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد

د) عوامل شخصی

نظریه وی به تئوری دافعه و جاذبه معروف است و بر اساس آن، در صورتی که برآیند عوامل برانگیزنده و بازدارنده مثبت باشد، انگیزه به مهاجرت در فرد ایجاد می‌شود و اگر شخص نتواند این تمایل را از بین ببرد و موانع موجود در جریان مهاجرت نیز تأثیر بازدارنده اعمال نکنند، مهاجرت عینیت می‌یابد (جانزاده، ۱۳۹۹: ۱۰۷).

نظریه کارکردگرایان

این نظریه در خصوص دلایل مهاجرت بر این فرض تأکید می‌کند که تمام نیازهای اجتماعی در چارچوبی از نظام اجتماعی آموخته می‌شوند، کنش گران در یک نظام به نیازهایی باور دارند که در آن نظام نمی‌توانند آن‌ها را برآورده سازند، زیرا خصایص ساختن نظام‌های اجتماعی و کنش گران، هرگز در طول زمان ایستا نیستند، از این رو ممکن است تحولات لازم برای کاهش ناهماهنگی بین احساس نیاز و امکان تسهیل آن در کنش گر یا در نظام یا در هر دو اتفاق بیفتد. درک ناهماهنگی بین خصایص فرد و نظام اجتماعی، منجر به مهاجرت شخص برای کاهش ناهماهنگی‌های ساختی می‌شود (اصلانی، ۱۳۹۳: ۵۵).

نظرات اسکوتز و شاستاد

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

اسکوئز و شاستاد^۹ نیز روش‌های مشابه به لآوری و راجرز را اتخاذ می‌کردند. پایه نظری آن‌ها در تبیین مهاجرت، بر آنچه آن‌ها سرمایه‌گذاری می‌دانند، مبتنی است. این دو محقق معتقدند هر فرد در هنگام تصمیم به مهاجرت، هزینه‌های فیزیکی و پولی ناشی از مهاجرت را مد نظر قرار می‌دهد (اصلانی، ۱۳۹۳: ۵۵).

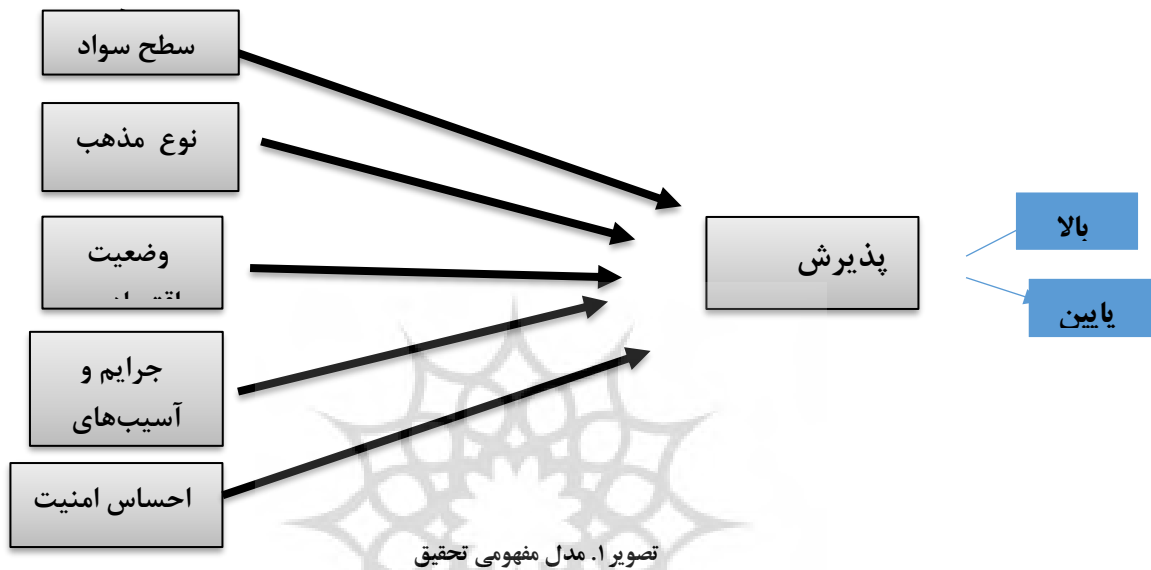
ایراداتی که از دیدگاه جامعه‌شناسی به این نظریات، در ارتباط با جذب یا دفع مهاجران گرفته شده- است، این است که چنین نظریاتی کنش متقابل مهاجران و پیامدهای ناشی از مهاجرت را مورد توجه قرار ندادند. ولی در هر حال این گونه نظریات توانستند به عنوان نظریات راهگشا، مسیر را برای نظریه‌پردازی و پژوهش در زمینه مهاجرت هموار سازند.

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- سطح سواد شهروندان بر پذیرش اجتماعی (بالایا پایین)، آن‌ها نسبت به مهاجران افغانستانی تأثیر معناداری دارد.
- ۲- نوع مذهب شهروندان بر پذیرش اجتماعی (بالایا پایین)، آن‌ها نسبت به مهاجران افغانستانی تأثیر معناداری دارد.
- ۳- وضعیت اقتصادی بر پذیرش اجتماعی شهروندان (بالایا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی تأثیر معناداری دارد.
- ۴- جرایم و آسیب‌های اجتماعی موجود، بر پذیرش اجتماعی شهروندان (بالایا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی تأثیر معناداری دارد.
- ۵- احساس امنیت بر پذیرش اجتماعی (بالایا پایین)، شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی تأثیر معناداری دارد.

⁹ shasstad

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز



۱. تعریف مفهومی و عملیاتی متغیر تحقیق

تعریف مفهومی پذیرش اجتماعی: پذیرش اجتماعی، درجه عضویت درون گروهی فرد در یک واحد اجتماعی است که وی به گونه‌ای ملموس و معنادار در آن درگیر است (امپوفو^۱، ۲۰۰۳: ۴۳۶؛ به نقل از امامی غفاری و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۷۷).

تعریف عملیاتی پذیرش اجتماعی (بالا و پایین): منظور از پذیرش اجتماعی شهروندان، بالا و پایین، در این مطالعه، میزان نمراتی است که پاسخگویان، از پاسخ دان به سوالات مربوط به پذیرش اجتماعی شهروندان (با مؤلفه‌های: سطح سواد، نوع مذهب، وضعیت اقتصادی، جرایم و آسیب‌های اجتماعی، احساس امنیت) نسبت به مهاجران افغانستانی، در پرسشنامه محقق ساخته کسب کرده‌اند.

¹ Mpofu

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

روش تحقیق

مطالعه حاضر با توجه به هدف، کاربردی و از نوع تحقیقات پیمایشی و از شاخه پژوهش‌های میدانی است. جامعه آماری در مطالعه حاضر شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن شهر شیراز در سال ۱۴۰۲ که به تعداد ۱۹۵۵۵۰ نفر بودند. حجم نمونه در این مطالعه ۳۴۸ نفر از شهروندان شهر شیراز بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس و با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شدند. در این مطالعه پذیرش اجتماعی شهروندان شیرازی به صورت مثبت یا منفی نسبت به مهاجرین افغانی، متغیر وابسته است و سطح سواد شهروندان، نوع مذهب شهروندان، وضعیت اقتصادی، جرایم و آسیب‌های اجتماعی موجود و احساس امنیت متغیرهای مستقل می‌باشند. در این مطالعه مشخصه‌هایی نظیر فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار، نشان دهنده شاخص‌های توصیفی در تحقیق است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز به وسیله نرم افزار SPSS با استفاده از روش آزمون همبستگی اسپیرمن و رگرسیون چند متغیره انجام شد.

ابزار تحقیق

در پیمایش این تحقیق برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. ابزار مورد استفاده در این تحقیق پرسشنامه محقق ساخته ۲۶ سوالی (با مؤلفه‌های: سطح سواد، نوع مذهب، وضعیت اقتصادی، جرایم و آسیب‌های اجتماعی، احساس امنیت) است، که به منظور طراحی سوالات این پرسشنامه محقق ساخته، طی ۱ ماه مصاحبه و گفتگوهای پیرامون روابط و نحوه پذیرش اجتماعی شهروندان ایرانی به صورت بالا یا پایین، نسبت به مهاجران افغانستانی (در بررسی تأثیر سطح سواد، نوع مذهب، وضعیت اقتصادی، جرایم و آسیب‌های اجتماعی موجود و احساس امنیت شهروندان)، به لحاظ مطالعات جامعه‌شناختی در شهر شیراز انجام شد. همچنین از مقالات و پژوهش‌های انجام گرفته، توسط خبرگان دانشگاهی که به بررسی مهاجران افغانی در سال‌های اخیر به ایران انجام داده‌اند نیز به منظور تهیه پرسشنامه بهره گرفته شده است. در این تحقیق به منظور تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. آلفای کرونباخ در اینجا ۰/۷۶ به دست آمد که از قابلیت اعتبار برخوردار است.

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز

برای بررسی روایی پرسشنامه از روایی محتوا استفاده شد که نظر صاحب نظران^{۱۱} در مورد ابزار طراحی شده جمع آوری شد. نتایج حاکی از تأیید روایی محتوا، جنبه‌های مختلف پرسشنامه‌ها از سوی متخصصان این حوزه بود. سپس پرسشنامه محقق ساخته متشکل از دو بخش مشخصات بیوگرافی و عوامی تأثیرگذار ۲۶ سوالی تنظیم و در اختیار جامعه ی آماری قرار داده شد و پس از تکمیل، تمامی پرسشنامه‌های مذکور، برای انجام تجزیه و تحلیل مورد نیاز جمع آوری گردید.

یافته‌های پژوهش

یافته های توصیفی

جدول ۱: توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان

نوع مذهب	فراوانی	درصد
شیعه	251	65.4
سنی	94	24.5
سایر مذاهب	39	10.2
جمع کل	384	100

وضعیت اقتصادی	فراوانی	درصد
کمتر از پنج میلیون	51	13.3
پنج تا هفت میلیون	40	10.4

¹¹Authority

....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

9.6	37	هفت تا نه میلیون
21.6	83	نه تا یازده میلیون
11.2	43	یازده تا سیزده میلیون
18.2	70	سیزده تا پانزده میلیون
15.6	60	بیشتر از پانزده میلیون
100	384	جمع کل

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
بی سواد	14	3.6
ابتدایی	36	9.4
سیکل	51	13.3
جرایم و آسیب دیپلم	56	14.6
های اجتماعی فرق دیپلم	47	12.3
افغانستانی ها لیسانس	98	25.5
بدون جرم ارشد و بالاتر	82	21.4
کم جمع کل	384	100
متوسط	73	19.0
زیاد	96	25.0
جمع کل	384	100

احساس امنیت	فراوانی	درصد
کم	98	25.5
متوسط	180	46.9
زیاد	106	27.6
جمع کل	384	100

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز

جدول ۱ توزیع فراوانی و درصد پاسخ گویان را بر حسب سطح تحصیلات، نوع مذهب، جرایم و آسیب- های اجتماعی موجود، وضعیت اقتصادی و احساس امنیت نشان می دهد.

جدول ۲: آمار توصیفی متغیر مورد مطالعه

متغیر	میانگین	میان	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
پذیرش اجتماعی شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی	3/30	3/48	0/77	-0/77	1/74

با توجه به نتایج جدول ۲ آمار توصیفی متغیرهای کمی مورد مطالعه، مقدار میانگین متغیر پذیرش اجتماعی شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی برابر ۳/۳۰ می باشد. مقدار میانه برای همین متغیر با مقدار ۳/۴۸ محاسبه شده است. انحراف معیار نیز برای متغیر مورد مطالعه ۰/۷۷- محاسبه شده است. نتایج مقدار چولگی و کشیدگی متغیر نیز، حاکی از آن است که اگر مثبت باشند، چولگی و کشیدگی به سمت راست است و اگر مقدار چولگی و کشیدگی متغیر منفی باشد، چولگی و کشیدگی آن ها به سمت چپ است.

یافته های استنباطی

جدول ۳: آزمون نرمال بودن داده های متغیر مورد مطالعه

متغیرها	کولموگوروف-اسمیرنوف	Sig	وضعیت
پذیرش	0/127	0/086	نرمال است

...پژوهش‌های جامعه شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

با توجه به جدول ۳ مقادیر آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف و مقدار Sig برای متغیر موجود، فرضیه-های مورد مطالعه آورده شده است، چنانچه مشاهده شد، برای متغیر مورد مطالعه مقدار Sig آنها بیشتر از ۰/۰۵ می باشد و فرض نرمال بودن داده‌های متغیر پژوهش، رد نمی شود در نتیجه داده‌های متغیر مورد مطالعه، نرمال می باشد.

بررسی رگرسیون خطی چندگانه

جدول ۴: R چند گانه

ضریب همبستگی خطی	ضریب تعیین	ضریب تعیین یافته	خطای استاندارد برآورد شده
0/629	0/395	0/346	0/098

جدول ۴ برای رگرسیون برازش شده، مقدار ضریب همبستگی خطی برابر با ۰/۶۲۹ می باشد که نشان دهنده همبستگی مناسبی بین مجموعه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته می باشد. در ادامه مقدار ضریب تعیین تعدیل شده (۰/۳۴۶) که نشان دهنده این است که ۳۵ درصد از کل تغییرات واریانس متغیر پذیرش اجتماعی شهروندان (بالا یا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی وابسته به متغیرهای مستقل می باشد.

جدول ۵: تحلیل واریانس (ANOVA)

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معنی داری
رگرسیون	5/165	11	0/469	335/389	0/000
باقیمانده ها	0/534	372	0/0014		
کل	6/154	383			

در جدول ۵ توجه به مقدار آماره F یا فیشر و مقدار سطح معناداری این آزمون به بررسی معنادار بودن رگرسیون چندگانه پرداخته می شود، با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری این آزمون کمتر از ۵ درصد

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز

می باشد، در نتیجه فرض معنادار بودن مدل رگرسیون برازش شده رد نمی شود. یعنی مدل رگرسیون خطی چند گانه مناسب می باشد.

آزمون معنادار بودن ضرایب رگرسیون:

جدول ۶: ضرایب استاندارد و غیر استاندارد برای متغیرهای مستقل در مدل رگرسیون

سطح معنی داری	مقدار t	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		مدل
		ضریب	خطای استاندارد	برآورد ضریب	
0/001	3/890	-	0/089	1/465	مقدار ثابت
0/005	-1/709	-0/315	0/543	-0/145	سطح سواد
0/103	0/476	/059	0/527	0/024	مذهب
0/001	-3/398	-0/369	0/156	-0/294	وضعیت اقتصادی
0/001	-3/265	-0/374	0/417	-0/301	جرایم و آسیب
0/001	-3/739	-0/492	0/298	-0/379	احساس امنیت

جدول ۶ مقادیر ضرایب رگرسیونی متغیرهای تأثیرگذار بر متغیر وابسته را نشان می دهد که با توجه به آمار t و سطح معناداری این آزمون مشخص می باشد متغیرهایی که سطح معناداری آنها کمتر از ۰/۰۵ می باشد در مدل رگرسیونی قرار می گیرند. مدل رگرسیونی نشان می دهد که در یک مدل رگرسیونی چند گانه پذیرش اجتماعی شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی بدون تأثیر متغیرهای مستقل ۱/۴۶۵ می باشد. همچنین تغییر یک انحراف استاندارد در سطح سواد باعث تغییر ۰/۱۴۵ انحراف استاندارد در پذیرش اجتماعی شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی می شود. همچنین تغییر یک انحراف استاندارد در وضعیت اقتصادی باعث تغییر ۰/۲۹۴ انحراف استاندارد در پذیرش اجتماعی شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی می شود. تغییر یک انحراف استاندارد در جرایم و آسیب های اجتماعی موجود باعث تغییر ۰/۳۰۱ انحراف استاندارد در پذیرش اجتماعی شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی می شود. در نهایت تغییر یک انحراف استاندارد در احساس امنیت باعث تغییر ۰/۳۷۹ انحراف استاندارد در پذیرش اجتماعی شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی می شود.

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

فرضیه ۱: سطح سواد شهروندان بر پذیرش اجتماعی (بالایا پایین)، آن‌ها نسبت به مهاجران افغانستانی اثر گذار است.

جدول ۷: آزمون همبستگی اسپیرمن بین سطح سواد شهروندان و پذیرش اجتماعی آن‌ها نسبت به مهاجران افغانستانی

مقدار	آماره‌های آزمون
-0/385	ضریب همبستگی
0/005	سطح معنی داری

همانطور که در جدول ۷ ملاحظه می‌گردد، ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر مورد مطالعه در کل نمونه مورد مطالعه معادل -0/385 و سطح معناداری آزمون همبستگی اسپیرمن از عدد ۰/۰۵ کمتر شده است لذا مطابق قاعده آزمون همبستگی اسپیرمن فرض صفر را رد می‌کنیم و فرضیه یک را می‌پذیریم، یعنی رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین سطح سواد شهروندان و پذیرش اجتماعی (بالایا پایین)، آن‌ها نسبت به مهاجران افغانستانی وجود دارد. و چون مقدار ضریب همبستگی منفی می‌باشد در نتیجه بین سطح سواد شهروندان و پذیرش اجتماعی آن‌ها (بالایا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

فرضیه ۲: نوع مذهب شهروندان بر پذیرش اجتماعی (بالایا پایین)، آن‌ها نسبت به مهاجران افغانستانی اثر گذار است.

جدول ۸: آزمون همبستگی اسپیرمن بین نوع مذهب شهروندان و پذیرش اجتماعی آنها نسبت به مهاجران افغانستانی

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز

آماره‌های آزمون	مقدار
ضریب همبستگی	0/462
سطح معنی داری	0/005

همانطور که در جدول ۸ ملاحظه می‌گردد، ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر مورد مطالعه در کل نمونه مورد مطالعه معادل 0/462 و سطح معناداری آزمون همبستگی اسپیرمن از عدد ۰/۰۵ کمتر شده است لذا مطابق قاعده آزمون همبستگی اسپیرمن فرض صفر را رد می‌کنیم و فرضیه یک را می‌پذیریم، یعنی رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین نوع مذهب شهروندان و پذیرش اجتماعی آن‌ها (بالایا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی وجود دارد. و چون مقدار ضریب همبستگی مثبت می‌باشد در نتیجه بین نوع مذهب شهروندان و پذیرش اجتماعی آن‌ها (بالایا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی رابطه مستقیمی وجود دارد.

فرضیه ۳: وضعیت اقتصادی بر پذیرش اجتماعی شهروندان (بالایا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی اثر گذار است.

جدول ۹: آزمون همبستگی اسپیرمن بین وضعیت اقتصادی بر پذیرش اجتماعی شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی

آماره‌های آزمون	مقدار
ضریب همبستگی	-0/541
سطح معنی داری	0/001

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

همانطور که در جدول ۹ ملاحظه می‌گردد، ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر مورد مطالعه در کل نمونه مورد مطالعه معادل $0/541$ - و سطح معناداری آزمون همبستگی اسپیرمن از عدد $0/05$ کمتر شده است. لذا مطابق قاعده آزمون همبستگی اسپیرمن فرض صفر را رد می‌کنیم و فرضیه یک را می‌پذیریم، یعنی رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین وضعیت اقتصادی و پذیرش اجتماعی شهروندان (بالایا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی وجود دارد. و چون مقدار ضریب همبستگی منفی می‌باشد، در نتیجه بین وضعیت اقتصادی و پذیرش اجتماعی شهروندان (بالایا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

فرضیه ۴: جرایم و آسیب‌های اجتماعی بر پذیرش اجتماعی شهروندان (بالایا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی اثر گذار است.

جدول ۱۰: آزمون همبستگی اسپیرمن بین جرایم و آسیب‌های اجتماعی بر پذیرش اجتماعی شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی

آماره‌های آزمون	مقدار
ضریب همبستگی	$-0/614$
سطح معنی داری	$0/001$

همانطور که در جدول ۱۰ ملاحظه می‌گردد، ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر مورد مطالعه در کل نمونه مورد مطالعه معادل $0/614$ - و سطح معناداری آزمون همبستگی اسپیرمن از عدد $0/05$ کمتر شده است. لذا، مطابق قاعده آزمون همبستگی اسپیرمن فرض صفر را رد می‌کنیم و فرضیه یک را می‌پذیریم. یعنی رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین جرایم و آسیب‌های اجتماعی و پذیرش اجتماعی شهروندان (بالایا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی وجود دارد. و چون مقدار ضریب

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز

همبستگی منفی می‌باشد در نتیجه بین جرایم و آسیب‌های اجتماعی و پذیرش اجتماعی شهروندان (بالا یا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۵: احساس امنیت بر پذیرش اجتماعی شهروندان (بالا یا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی اثر گذار است.

جدول ۱۱: آزمون همبستگی اسپیرمن بین احساس امنیت و پذیرش اجتماعی شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی

آماره‌های آزمون	مقدار
ضریب همبستگی	-0/484
سطح معناداری	0/001

همانطور که در جدول ۱۱ ملاحظه می‌گردد، ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر مورد مطالعه در کل نمونه مورد مطالعه معادل ۰/۴۸۴ و سطح معناداری آزمون همبستگی اسپیرمن از عدد ۰/۰۵ کمتر شده‌است. لذا، مطابق قاعده آزمون همبستگی اسپیرمن فرض صفر را رد می‌کنیم و فرضیه یک را می‌پذیریم، یعنی رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین احساس امنیت و پذیرش اجتماعی شهروندان (بالا یا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی وجود دارد. و چون مقدار ضریب همبستگی منفی می‌باشد در نتیجه بین احساس امنیت و پذیرش اجتماعی شهروندان (بالا یا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

هدف از انجام پژوهش حاضر، شناخت مهم‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر بر پذیرش شهروندان (بالا یا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی، در شهر شیراز است. در بررسی تأثیر سطح سواد شهروندان بر پذیرش اجتماعی (بالا یا پایین)، آن‌ها نسبت به مهاجران افغانستانی نتایج نشان داده‌است، رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین سطح سواد شهروندان و پذیرش اجتماعی آن‌ها نسبت به مهاجران افغانستانی وجود دارد. و چون مقدار ضریب همبستگی منفی می‌باشد در نتیجه بین سطح سواد شهروندان و پذیرش اجتماعی آن‌ها نسبت به مهاجران افغانستانی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. این یافته‌ها، با نتایج تحقیقات فرمانفرمایی و جعفرزاده (۱۳۹۸: ۷۵-۸۸)، هم‌سو می‌باشد. شاطریان و همکاران (۱۳۹۵: ۱۵۰-۱۴۸). همان‌گونه که می‌دانیم بسیاری از مهاجران افغانستانی اکنون سال‌هاست که در ایران زندگی می‌کنند. این وضعیت مجموعه‌ای از فرصت‌ها و تهدیدها را برای این مهاجران، در ایران وجود آورده‌است (علاءالدینی و میزایی، ۱۳۹۷: ۲۵-۷). در طی چند دهه در ایران، دیدگاه‌های متفاوتی به صورت مثبت یا منفی با توجه به میزان آگاهی و سطح سواد شهروندان ایرانی برای پذیرش اجتماعی (بالا یا پایین)، و اقامت این مهاجرین وجود داشته‌است. پذیرش اجتماعی بالا شامل پذیرش دیگران، اعتماد به خوب بودن ذاتی دیگران و نگاه مثبت به ماهیت انسان‌ها است که همگی آن‌ها باعث می‌شوند، فرد در کنار سایر اعضای جامعه انسانی، احساس راحتی کند (نوربخش و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۴۱). تأثیر تسهیل‌کننده‌هایی (مانند سطح سواد، دانش و آگاهی بالای شهروندان) در پذیرش اجتماعی بالای مهاجرین از سوی جامعه میزبان تأثیر گذار است. در شرایطی که میان گروه‌های مهاجر و جامعه میزبان این دانش و آگاهی کافی غالب باشد، آن‌ها به راحتی یکدیگر را می‌پذیرند و در نتیجه، فرآیند پذیرش اجتماعی بالای مهاجران در جامعه میزبان به سهولت رخ می‌دهد. برعکس، زمانی که میان گروه‌های مهاجر و جامعه میزبان، به لحاظ عدم آگاهی و دانش کافی و پایین بودن سطح سواد، فاصله اجتماعی زیادی وجود داشته باشد، پذیرش اجتماعی و ادغام اجتماعی مهاجران در جامعه میزبان با موانعی دشوار و پیچیده رو به رو می‌شود (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۴-۸۳). چنانکه روحانی و همکاران (۱۳۹۴: ۱۰۲-۷۷)، در پژوهش خود، میزان تحصیلات، مراوده و آگاهی از تاریخ، فرهنگ و ادبیات افغانستانی‌ها را در مثبت بودن پذیرش اجتماعی بالای جامعه میزبان (شیراز)، نسبت به مهاجران تأثیر گذار دانسته‌اند.

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز

در بررسی تأثیر نوع مذهب شهروندان بر پذیرش اجتماعی (بالای پایین)، آن‌ها نسبت به مهاجران افغانستانی، نتایج نشان داده است، رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین نوع مذهب شهروندان و پذیرش اجتماعی آن‌ها (بالای پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی وجود دارد. و چون مقدار ضریب همبستگی مثبت می باشد در نتیجه بین نوع مذهب شهروندان و پذیرش اجتماعی آن‌ها (بالای پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی رابطه مستقیمی وجود دارد. این یافته‌ها هم سو می باشد با نتایج تحقیقات کشاورز قاسمی و (۱۳۹۷: ۲۸۹-۳۰۵)، وثوقی و محسنی (۱۳۹۵: ۲۷)، شاطریان و همکاران (۱۳۹۵: ۱۵۰-۱۴۸)، کوکاک (۲۰۲۱: ۷۳۷). در جهان امروز عده زیادی از مردم به قصد بهبود شرایط زندگی روزمره خود، دست به مهاجرت می زنند. در بسیاری از موارد، فرد مهاجر در جامعه میزبان، با مواردی روبه‌رو می شود که ممکن است با فرهنگ جامعه خودش ناهمخوان باشد. در این صورت مجبور می شود در برابر رفتارها، کردارها و گفتارهای جامعه جدید واکنش هایی از خود نشان دهد و نسبت به پذیرش و عدم پذیرش آن‌ها مواضعی اختیار کند (میزایی، ۱۳۹۳). دینداری نیز به مثابه مجموعه ای از هنجارهای اجتماعی مثبت در جامعه میزبان، موجب تأیید بیشتر مهاجرین، پشتیبانی آن‌ها و پذیرش اجتماعی بهتر مهاجرین از سوی جامعه میزبان می شود. در واقع، پایبند بودن مهاجرین به مسائل معنوی و دینی موجب ترغیب جامعه میزبان در پذیرش اجتماعی مهاجرین می گردد. تحقیقات در این زمینه نشان داده اند، مهاجرین دارای نگرش های مذهبی قوی نسبت به کسانی که باورهای ضعیف تری دارند یا اصولاً به دین اعتقادی ندارند، امیدواری و خوش بینی بیشتری در زندگی شان دارند (میزایی، ۱۳۹۶: ۲۳۳-۲۵۷). از منظر دیگر، جهت گیری های دینی نیز می توانند، برون گرایانه و درون گرایانه باشند (آلپورت، ۱۹۶۷). در نوع اول، مذهب برای اهداف غیرمذهبی مورد استفاده قرار می گیرد. چنانکه در محیط های شغلی مهاجرین (به دلیل پذیرش اجتماعی از سوی جامعه میزبان) ممکن است از مقید بودن به دین و برپایی مناسک دینی و مذهبی خود فاصله بگیرند. در نوع دوم، مذهب به عنوان انگیزه ای غالب در زندگی اجتماعی بروز می کند (دیزاتر، ۲۰۰۶). چنانکه جامعه مهاجران افغانستانی در ایران به دلیل دین مداری خود، مشارکت در مراسم دینی و فعالیت های مذهبی و حضور در گروه های معنوی، حس همبستگی و پشتیبانی را از سوی جامعه میزبان تقویت کرده و پذیرش اجتماعی خود را از سوی جامعه میزبان تقویت می کنند. کوکاک

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

(۲۰۲۱: ۷۳۷)، نشان داده‌است که دینداری و پایگاه اجتماعی اقتصادی با پذیرش اجتماعی شهروندان (بالایا پایین)، نسبت به مهاجران خارجی مرتبط است.

در بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی شهروندان بر پذیرش اجتماعی آن‌ها (بالایا پایین) نسبت به مهاجران افغانستانی، نتایج نشان داده‌ست، رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین وضعیت اقتصادی شهروندان و پذیرش اجتماعی (بالایا پایین) آن‌ها نسبت به مهاجران افغانستانی وجود دارد. و چون مقدار ضریب همبستگی منفی می‌باشد در نتیجه بین وضعیت اقتصادی شهروندان و پذیرش اجتماعی آن‌ها نسبت به مهاجران افغانستانی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. این یافته‌ها، با نتایج تحقیقات کشاورز قاسمی و نادر پور (۱۳۹۷: ۲۸۹-۳۰۵)، وثوقی و محسنی (۱۳۹۵: ۱۸-۴)، شاطریان و همکاران (۱۳۹۵: ۱۶۵-۱۴۳)، رایدگرن (۲۰۱۸: ۷۳۷-۷۶۵) هم‌سو می‌باشد. نیروی کار افغانستانی به‌دلیل ویژگی‌های روحی و بدنی و نیز شرایط زندگی در ایران، ضمن آنکه افرادی بسیار سخت‌کوش و اهل کار هستند، به نسبت ایرانی‌ها، دستمزدهای پائین‌تری طلب می‌کنند. انعطاف در برابر سختی کار، روحیه سخت‌کوشی و تلاش بالا، خستگی‌ناپذیری و قدرت بدنی، امانتداری در برابر کارفرما، رعایت اصول اخلاقی و رفتاری کار و بالاخره دستمزد پائین و برخورداری از یک زندگی ساده و کم‌هزینه، موجب شده تا امروز، به‌خصوص در شهرهای بزرگ، اکثر کارگران حوزه ساختمان، عمران، خدمات و نظافت شهری مهاجران افغانستانی باشند (زنگنه، ۱۳۹۸: ۱۷۷-۱۹۶). البته مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران، پیامدهای اقتصادی زیادی را در پی داشته‌است. از جمله تبعات منفی حضور غیرقانونی مهاجران افغانستانی در ایران، گسترش حاشیه‌نشینی در شهرهای مختلف است. از جمله دلایلی که باعث شده آن‌ها حاشیه شهرها را انتخاب کنند، وجود منازل مسکونی با اجاره بهای کمتر از نقاط مرکزی شهر، دور بودن از قوانین و مقررات سخت‌گیرانه حاکم در مرکز شهر، اشباع نقاط مرکزی شهر از جمعیت و غیره بوده‌است. اغلب این مهاجران به دلیل فقر به حاشیه‌نشینی روی می‌آورند که، این امر نه تنها سبب ایجاد چشم اندازهای نامناسب در شهرها می‌شود بلکه، امکانات بهداشتی، که در این مناطق در سطح بسیار پایینی است، برای خود مهاجران نیز مشکلات بسیاری ایجاد می‌کند (حاتمی، ۱۳۹۹: ۱۰۲-۷۷). در مورد پذیرش (بالایا پایین) مهاجران افغانستانی در ایران، دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. برخی از کارشناسان اقتصادی کشور، معتقدند که

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز

اگر افغانستانی‌ها به کشور خویش بازگردند، کارگران بیکار ایرانی امکان پیدا کردن کار خواهند یافت. بر خلاف گروه اول، برخی از اقتصاددانان بر این عقیده‌اند که اگر کارگران ایرانی جایگزین کارگران افغانستانی شوند، هزینه تولید به شدت افزایش و تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی کاهش خواهد یافت. این گروه اظهار می‌دارند که خروج کارگران افغانستانی به کمبود نیروی کار ساده در کشور منجر خواهد شد (عیسی زاده و مهران فر، ۱۳۹۰: ۳۹-۵۷). رایدگرن (۲۰۱۸: ۷۳۷-۷۶۵). رابطه بین پذیرش اجتماعی، ادغام مهاجر و امکانات رفاهی در کشور میزبان را بررسی کردند و نشان دادند که تمایل شهروندان کشور میزبان نسبت به پذیرش اجتماعی مهاجران به طور مثبت با امکانات رفاهی در جامعه مقصد مرتبط است.

در بررسی تأثیر جرایم و آسیب‌های اجتماعی بر پذیرش اجتماعی (بالا یا پایین) شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی، نتایج نشان داده‌است، رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین جرایم و آسیب‌های اجتماعی و پذیرش اجتماعی شهروندان (بالا یا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی وجود دارد. و چون مقدار ضریب همبستگی منفی می‌باشد در نتیجه بین جرایم و آسیب‌های اجتماعی و پذیرش اجتماعی شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی رابطه معکوس معناداری وجود دارد. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات نادرپور (۱۳۹۷)، وثوقی و محسنی (۱۳۹۵)، شاطریان و همکاران (۱۳۹۵)، بوید (۲۰۲۱) هم‌سو می‌باشد. حضور مهاجران افغانستانی در ایران می‌تواند آثار منفی فراوانی در ابعاد مختلف، به همراه داشته باشد. مهاجرت بی‌رویه بیگانگان به خصوص اتباع افغانستانی، آن‌هم به شکل غیرقانونی و غیرمجاز، پیامدهای منفی عدیده‌ای مانند افزایش جرایم و آسیب‌های اجتماعی، به همراه داشته است. از مهم‌ترین تبعات آن آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی، ایجاد پدیده حاشیه نشینی، افزایش نرخ بیکاری، تغییر بافت جمعیتی، تولد فرزندان بی‌هویت، انتقال بیماری‌های واگیردار، اشاعه تفکرات خشونت طلبی و در نهایت به خطر افتادن سلامت جامعه می‌باشد (علی پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۹ - ۱۰۸). تحقیقات متعددی در زمینه پذیرش اجتماعی (بالا یا پایین) مهاجرین افغانستانی از سوی شهروندان ایرانی نشان داده‌اند که، حضور میلیون‌ها تبعه افغانستانی غیرمجاز در داخل کشور، پیامدها و تبعات امنیتی فراوانی برای ایران به همراه داشته است. که مهم‌ترین آن‌ها، ارتکاب جرم و آسیب‌های اجتماعی می‌باشد. کشاورز قاسمی و نادرپور

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

(۱۳۹۷: ۲۸۹ - ۳۰۵)، در پژوهشی با که عنوان «تبیین پیامدهای مهاجرت اتباع کشور افغانستان بر جامعه ایران (مطالعه موردی شهر قزوین)» انجام داده‌اند، نشان داده‌اند که، مهاجرت در جهان امروز گسترش یافته و تبعات مثبت و منفی فراوانی دارد. بوید (۲۰۲۱)، نشان داده‌است که تفاوت در تمایلات بومیان برای پذیرش اجتماعی از گروه‌های مهاجران عامل تعیین‌کننده‌ای در جداسازی سکونتی گروه‌های مهاجر و شهروندان جامعه میزبان است.

در بررسی تأثیر احساس امنیت بر پذیرش اجتماعی شهروندان (بالایا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی، نتایج نشان داده‌است، رابطه معناداری (همبستگی معناداری) بین احساس امنیت و پذیرش اجتماعی شهروندان (بالایا پایین)، نسبت به مهاجران افغانستانی وجود دارد. و چون مقدار ضریب همبستگی منفی می‌باشد در نتیجه بین احساس امنیت و پذیرش اجتماعی شهروندان نسبت به مهاجران افغانستانی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات کشاورز قاسمی و نادرپور (۱۳۹۷)، بوید (۲۰۲۱)، هم‌سو می‌باشد. یکی از مفاهیم با اهمیت و پیچیده و جدید در دنیای امروز موضوع و مفهوم امنیت است. مقوله امنیت همواره با مباحث مربوط به مهاجران گره خورده‌است. در سطح کلان ارتباط مهاجران افغانستانی با داعش و طالبان به عنوان یک تهدید امنیتی برای کشور بازنمایی می‌شود و در سطح رسانه و افکار عمومی نیز حضور مهاجران با جرم و جنایت پیوند خورده‌است. مهاجرت‌های بی‌رویه اتباع بیگانه (به ویژه افغانستانی‌ها) به داخل کشور ایران، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که، اخیراً، امنیت (سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و ملی) کشور ایران را درگیر خود ساخته‌است. ورود مهاجرین به ایران باعث شده تحولات مختلفی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، فرهنگی، هم برای مهاجرین و هم جامعه میزبان ایجاد شود و در کنار امکانات ارائه شده و تحولات انجام شده در طی چند دهه در ایران، دیدگاه‌های مثبت و منفی گوناگونی برای پذیرش و اقامت (بالایا پایین) این مهاجرین وجود داشته‌است. مهم این است که با وجود تعداد زیاد مهاجران از کشورهای همسایه، به خصوص افغانستان و مدت طولانی اقامت آنان، جامعه ایرانی تا چه حد پذیرای آنان بوده‌است. در کنار روندهای کلان ساختاری که موقعیت فرودست افغانستانی‌ها را تثبیت کرده قدم‌هایی برای پذیرش این جمعیت نیز برداشته شده‌است. امنیت اقتصادی یعنی دسترسی به منابع، سرمایه و بازارهای مصرف لازم برای حفظ سطوح قابل قبولی از

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز

رفاه و قدرت اقتصادی (احمدی، ۱۳۸۴). تحقیقات متعددی در این زمینه انجام شده است که در ذیل به مواردی از آن‌ها اشاره شده است. کشاورز قاسمی و نادرپور (۱۳۹۷)، در پژوهشی که در این زمینه انجام داده اند، نتیجه گرفته اند، شهروندان قزوین با ۷۷/۶۶ درصد میانگین پاسخ های منفی، پذیرش مطلوبی نسبت به افغان‌ها به لحاظ امنیتی ندارند. بوید (۲۰۲۱)، نشان داده است که تفاوت در تمایلات بومیان برای پذیرش اجتماعی (بالا یا پایین)، از گروه‌های مهاجران عامل تعیین کننده‌ای در جداسازی سکونت‌گروه - های مهاجر و شهروندان جامعه میزبان است. مهاجرت پدیده‌ای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. به همین دلیل این پدیده در علوم مختلف انسانی و اجتماعی به عنوان مسأله‌ای مهم، مطرح است. زیرا مهاجران با محیط‌هایی مواجه می‌شوند که از نظر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با محیط زندگی قبلی آنان تفاوت دارد، به طوری که آن‌ها مجبور به پذیرش تغییرات زیادی در رفتار، کردار و گفتار خود برای حفظ سازگاری هستند. این موضوع یک طرفه نبوده و مهاجران نیز بر فرهنگ کلی جامعه جدید تأثیر گذار هستند، همواره حضور مهاجران در کشورهای مختلف منجر به بروز پیامدهای مثبت و منفی در آن کشور خواهد شد. از آنجا که امکان حذف مهاجران یا حذف تأثیرات منفی آنان وجود ندارد پس باید با ارائه راهکارهایی مناسب در جهت پذیرش اجتماعی بالای مهاجران و داشتن نگرشی مثبت نسبت به آن‌ها از سوی شهروندانف گامی برداریم. در همین راستا پیشنهاداتی ارائه می‌گردد: با توجه به اینکه مطالعه حاضر مقطعی بوده است، انجام مطالعات دقیقی (به صورت طولی) از وضعیت مهاجرین خارجی از نظر سن، جنس، میزان سواد، امکانات اقتصادی، آموزش، مشاغل، وضعیت مالی و فامیلی آن‌ها، قومیت، زبان، مذهب، گرایشات سیاسی، سوابق مبارزاتی آن‌ها در کشورشان و وابستگی حزبی، انحرافات اجتماعی، درصد جرم و جنایت و حتی نوع جرم و جنایت آنان انجام شود. آموزش در جهت تغییر باورهای فرهنگی و کلیشه‌ای ذهنی نسبت به مهاجران در جهت پذیرش اجتماعی مهاجران، و با استناد به یافته‌های تحقیق حاضر، می‌تواند از جمله راهکارهای اصلی برای کاهش تضاد میان مهاجران و ایرانیان باشد. انجام تحقیق طولی و در جامعه آماری گسترده، در سطح کشوری با توجه به محدود بودن جامعه آماری به مهاجران افغانستانی بالای ۱۸ سال در شهر شیراز. ایجاد بسترهای مناسب برای آموزش مسئولیت اجتماعی و مهارت‌های زندگی که موجب افزایش انگیزه و همبستگی مهاجرین و پذیرش اجتماعی آنان

...پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

از سوی جامعه میزبان شده و در همین راستا بسیاری از مشکلات مهاجرین به دست خودشان حل شود. فرهنگ مبارزه با تبعیض نژادی و ملیت در جهت پذیرش اجتماعی مهاجران، با استناد به یافته‌های تحقیق حاضر، به‌طور جدی به افراد از دوران کودکی آموزش داده‌شود.

منابع

- احمدی، محمد رضا. (1384)، فرهنگ، قدرت و امنیت ملی، نشریه مریبان، 5(16)، 113-139.
- اصلانی، مجتبی. (1393)، بررسی روند مهاجرت در جمهوری اسلامی ایران طی سه دهه اخیر و تأثیر آن بر امنیت ملی با تأکید بر مهاجرت داخلی تهران، فصلنامه جمعیت، 55 و 56، 45-82.
- ایراندوست، کیومرث؛ بوچانی، محمدحسین؛ تولایی، روح‌الله. (1393)، تحلیل دگرگونی الگوی مهاجرت داخلی با تأکید بر مهاجرت‌های شهری، فصلنامه مطالعات شهری، 2(6)، 105-118.
- پاپلی یزدی، محمدحسین؛ رجبی سناجریدی، حسین. (1392)، نظمیه‌های شهر و پیرامون، تهران، انتشارات سمت.
- حاتمی، محمدرضا. (1400)، «سیاست گذاری مطلوب مهاجرت و حضور مهاجرین افغان در ج.ا.ا»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان/اسلام، 11(1)، 1-17.
- روحانی، علی؛ انبارلو، مسعود. (1397)، کاوش فرایندهای اجتماعی شکل‌گیری عواطف جوانان از بازار اشتغال افغان‌های مقیم 102-شیراز. مسائل اجتماعی ایران، 9(2)، 77-102.
- زنگنه شهرکی، سعید؛ گلین شریف‌آدینی، جواد؛ حسن زاده، داود و سالاری مقدم، زهرا. (1393)، تحلیل فضایی کیفیت زندگی در سکونت‌گاه‌های غیررسمی منطقه کلان شهری تهران (مطالعه موردی: اسلام آباد، صالح آباد) فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، 146(1)، 177-196.
- شاطریان، محسن؛ عسکری کویری، اسما؛ فخری، فاطمه. (1395)، مطالعه و بررسی نگرش مردم شهر آران و بیدگل نسبت به مهاجران افغانی ساکن در بافت‌های فرسوده، همایش ملی بافت‌های فرسوده و تاریخی شهری: چالش‌ها و راهکارها.
- شاطریان، محسن؛ گنجی پور، محمود. (1389)، تأثیر مهاجرت افغان‌ها بر شرایط اقتصادی و اجتماعی شهر کاشان، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، 2(3)، 83-102.
- شاطریان، محسن؛ نظری، حامد؛ امام زاده علی، حسین. (1395)، بررسی رابطه ارزش‌های فرهنگی و نگرش نسبت به مهارت افغانستانی (مورد مطالعه: شهروندان هجده سال به بالا شهر کاشان) مطالعات میان فرهنگی، 11(29)، 143-165.
- عزیزی، حسین. (1397)، بررسی تأثیرات حضور اتباع بیگانه در امنیت کشور با تأکید بر اتباع افغانی، نشریه جغرافیا و روابط انسانی، 1(3)، 171-190.
- عسکری، محسن. (1390)، بررسی نظری مفهوم پذیرش اجتماعی به کمک نظریه‌های تحلیل رفتار، اولین همایش بین‌المللی دوجرخه شهری، تهران.

مطالعه جامعه شناختی پذیرش اجتماعی نسبت به مهاجران افغانستانی: مورد مطالعه شهروندان شهر شیراز

- عسکری ندوشن، عباس؛ شمس، فریده؛ زندی، لیلا؛ رضایی، محمد رضا. (1391)، گذری بر جریان های اخیر مهاجرت، در استان یزد، فصلنامه ی فرهنگ یزد، 1(1) 83-104.
- علاءالدینی، پویا؛ میرزایی، آمنه. (1397)، ادغام مهاجران افغانستانی در نواحی شهری ایران: مطالعه موردی محله هرنندی در تهران، پژوهش های انسان شناسی ایران، 8(1)، 7-25.
- عیسی زاده، سعید؛ مهران فر، جهانبخش؛ مهرانفر، مهدی. (1390)، بررسی ارتباط میان جرم و شاخص های کلیدی اقتصاد کلان در ایران، مجله علمی ترویجی راهبرد توسعه، 8(29)، 39-57.
- علی پور، عباس؛ سعادت جعفر آبادی، حسن؛ دهقانی فیروز آبادی، جلیل. (1396)، شناخت و تحلیل پیامدهای امنیتی ناشی از حضور اتباع بیگانه افغانی در کشور، پژوهش نامه جغرافیایی انتظامی، 5(18)، 79-108.
- فرمانفرمای، تکت؛ و جعفرزاده، پریسا. (1398)، نقش سینمای ایران در پذیرش مهاجران افغانستانی، مجله مطالعات مدیریت شهری، 46(14)، 75-88.
- کشاوری قاسمی، حسین؛ نادرپور، بابک. (1397)، تبیین پیامدهای مهاجرت اتباع کشور افغانستان بر جامعه ایران (مطالعه موردی شهر قزوین)، فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، 8(4)، 289-305.
- لطفی، محمود رضا؛ جهان تیغ، حسنعلی. (1393)، سکونت گزینی افغانه بر توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاهای مرزی سیستان، فصلنامه علمی پژوهشی آمایش سرزمین، 6(2)، 309-333.
- لطفی، حیدر؛ ندافی، کیوان، (1395)، بررسی اثرات اقتصادی مهاجرت افغان ها به شهرستان گرمسار، دومین کنفرانس سالانه پژوهش های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری.
- محرابی شاتوری، محمدرضا. (1393)، جامعه شناسی مهاجرت نوشته محمدرضا محرابی شاتوری، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان. نشریه احیا، 49
- میرزایی، حسین. (1392)، انسان شناسی قومی-زبانی مهاجرین هزاره در ایران، مجله پژوهش های انسان شناسی ایران، 3(2)، 123-144
- نوربخش، یونس، حیدر خانی، هابیل، محمدی، اصغر. (1396)، بررسی ارتباط بین حمایت اجتماعی و سلامت اجتماعی جوانان مناطق حاشیه نشین شهر کرمانشاه، بررسی مسائل اجتماعی ایران، 8(2)، 233-257.
- و ثوقی، فاطمه؛ محسنی، محمدرضا. (1395)، بررسی نگرش شهروندان مشهدی نسبت به مهاجرین خارجی مقیم مشهد، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، 31(2)، 18-40.

Alport, Gordon (1954). the Nature of Prejudice. New York : Addison -Wesley.
Allport, G.W & Ross M. J. Jr. (1967). "Personal Religious Orientation and Prejudice",
Journal of Personality and Social Psychology, pp. 432-443.

....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

- Allport, F. H. (1954). The structuring of events: outline of a general theory with applications to psychology. *Psychological Review*, 61(5), 281–303.
- Askari-Nodoushan, A., Ruhani, A., & Ghoroghchian, Z. (2019). Patriarchal contexts of female early marriage among afghan migrants in the city of Yazd. *Journal of Iranian Social Studies*, 13(4), 78-110. [In Persian].
- Askari-Nodoushan, A., Shams-Ghahfarokhi, F., Zandy, L., & Rezaei, M. R. (2019). Demographic perspective on the recent migration follows in Yazd province. *Culture of Yazd*, 1(1), 83-104. [In Persian].
- Boyd, R. L. (2021). Social distance reexamined: european ancestry groups in the early twentieth century united states. *Sociological Inquiry*, 91(3), 559-577
- Koc, Y., & Anderson, J.R. (2018). Social distance toward syrian refugees: The role of intergroup anxiety in facilitating positive relations. *Journal of Social Issues*, 74(4), 790-811.
- Koçak, O. (2021). The effects of religiosity and socioeconomic status on social distance towards refugees and the serial mediating role of satisfaction with life and perceived threat. *Religions*, 12(9), 737.
- Rydgren, J. (2008). Immigration sceptics, xenophobes or racists? Radical right wing voting in six West European countries. *European Journal of Political Research*, 47(6), 737-765.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی